

طرح با نظارت نهادهای قانونی اجرا می‌شود و منابع حاصل از آن در پروژه‌های عمرانی و زیربنایی سیستان‌وبلوچستان هزینه خواهد شد. اجرای طرح‌های ساماندهی سوخت باید با دقت و به‌صورت تدریجی انجام شود تا مردم آسیب نبینند.» حالا دانش دادالله‌زهی، دبیر و فعال اجتماعی در ایرانشهر می‌گوید اولین دلیلی که کودکان، نوجوانان و جوانان به‌سمت سوختبری می‌روند، این است که این شغل بسیار در دسترس آنهاست و تفاوت قیمت سوخت بین ایران و پاکستان بسیار زیاد است: «برای مثال اینجا یک گالن ۲۰ لیتری در پمپ بنزین با قیمت هر لیتر بنزین سه‌هزار تومان، درنهایت رویه‌روی همان پمپ بنزین، ۴۶۰ هزار تومان می‌فروشد. همان فردی که این گالن بنزین را ۴۶۰ هزار تومان خریده است، آن را به آدم‌های عادی ۶۵۰ هزار تومان می‌فروشد؛ یعنی کسانی که بخواهند بنزین آزاد بزنند، باید آن را لیتری ۳۱ تا ۳۲ هزار تومان بخرند؛ دقیقاً برابر.
آنهايي که به‌سمت مرز می‌برند، با همین میزان تفاوت قیمت‌ها، پولی که از آن سمت به رویيه و دلار دریافت می‌کنند، چندین‌برابر است.»

دادالله‌زهی می‌گوید یکی از اصلی‌ترین معضل‌ها، همین بی‌ارزش‌بودن پول ملی است: «آن کودکی که سوختبری می‌کند، می‌گوید یک‌هفته وقت می‌گذارم، بار گازوئیل را تهیه می‌کنم و ۲۰ میلیون تومان درآمد دارم. بعضی‌ها مستقیم بار را تا مرز می‌برند و برخی هم در مسافت‌های کوتاه می‌برند و به بارانداز تحویل می‌دهند. درصورتی که یک کارمند فوق‌لیسانس دارای شغل رسمی با سابقه‌ای به‌اندازه من، یعنی ۱۹ سال، حدود ۲۵ میلیون تومان دریافتی دارد. آن کودک می‌گوید اگر بروم کارمند و کارگر بشوم، ماهیانه ۱۹ تا ۲۰ میلیون تومان به‌دست می‌آورم، ازطرف‌دیگر می‌توانم ماهیانه ۸۰ تا ۱۰۰ میلیون درآمد داشته باشم؛ به‌همین‌دلیل آن خطر را به‌جان می‌خرد.»

سیستان‌وبلوچستان و کرمان، وسیع‌ترین استان‌های کشورند و جوان‌ترین جمعیت کشور را دارند اما هیچ کارخانه، شهرک صنعتی و صنعتی ندارند؛ این بخش دیگری از دلایلی است که از نگاه دادالله‌زهی باعث تمایل کودکان و نوجوانان به سوختبری شده است: «در همه حوزه جنوب استان، یک کارخانه بافت بلوچ داریم که قبلاً دو هزار نیروو داشت، اما حالا به‌جای توسعه، به ۲۰۰ تا ۳۰۰ کارگر رسیده است. کسانی که سمت سوختبری و شغل‌های کاذب نمی‌روند هم برای کارگری به رفسنجان، یم، یزد، اصفهان و شهرهای دیگر برای کارگری فصلی در کارخانجات، باغ‌ها و مزارع می‌روند و با هزاران توهین، تحقیر و مشکلات فرهنگی در این مناطق کار می‌کنند؛ یعنی شرایط مناسبی هم برای کسانی که به حقوق کارگری و کارمندی قانع‌اند، فراهم نیست.»

سومین دلیلی که این فعال اجتماعی آن را عامل تمایل دانش‌آموزان به سوختبری می‌داند، وضعیت آموزشی استان است: در مطالعه «فرآیندهای تولید و بازتولید بازماندگی از تحصیل در استان سیستان‌وبلوچستان» که توسط آرش حیدری، مریم صداقت و علی میرزایی در سال ۱۳۹۹ انجام شده است، دلایل این موضوع بررسی شده است. طبق این مطالعه: سطوح ساختاری و زمینه‌ساز مثل پهنه جغرافیایی، فقر و محرومیت شدید، زمانی که با فرآیندهای فرهنگی میان‌برد همچون مردسالاری، فرقه‌گرایی، قبیله‌گرایی، نفوذ قدرت‌های محلی و زمینه‌های خرد همچون نگرش‌های منفی و بحران در احساس اعتماد و گستردگی خانواده تلاقی می‌کند، چرخه‌ای پدید می‌آید که منتج به بازماندگی می‌شود. عناصر مختلف این چرخه یکدیگر را تقویت می‌کنند و زمینه را برای بروز بازماندگی و دیگر بحران‌های هم‌راز فراهم می‌کنند.

دادالله‌زهی هم به‌عنوان فعال اجتماعی و فرهنگی استان سیستان‌وبلوچستان درباره تاثیر ساختار آموزشی بر ترک تحصیل دانش‌آموزان و درنتیجه اشتغال آنها در زمینه سوختبری توضیح می‌دهد. او می‌گوید تعداد کم مدرسه در استان، یکی از این مشکلات است: «ما در بسیاری از

روستاها همچنان مدرسه نداریم. اگر یک مدرسه ابتدایی در روستا وجود داشته باشد، دانش‌آموز برای تحصیل در مقاطع متوسطه اول و دوم باید ده‌ها کیلومتر دورتر از روستایشان برود. علاوه بر این، تعداد خوابگاه‌ها هم بسیار کم و ناکافی است.
آنهايي که ساخته شده‌اند هم سرانه اندکی دارند. سال گذشته که این موضوع را بررسی می‌کردیم، متوجه شدیم سرانه هر دانش‌آموز در این خوابگاه‌ها، روزانه ۱۰ هزار تومان بود. با این رقم باید نان، صبحانه، قند، چای، ناهار و شام او از شنبه تا چهارشنبه تامین شود. در حال حاضر همه مدارس دولتی سیستان‌وبلوچستان به مدارس غیرانتفاعی تبدیل شده‌اند و خانواده کودک باید برای کتاب، کلاس و خوابگاه هزینه کند؛ در این شرایط چون شرایط اقتصادی خانواده‌ها نامساعد است، دانش‌آموز مجبور به ترک تحصیل می‌شود و به‌سمت سوختبری می‌رود.»

طبق آماری که خبرگزاری مهر در تاریخ ۱۲ شهریورماه امسال منتشر کرده است، شمار بازماندگان از تحصیل در این استان بیش از ۱۰۰ هزار نفر برآورد می‌شود؛ عددی که به‌دلیل دشواری‌های شناسایی ازجمله نداشتن شناسنامه، ثبت‌نشدن اطلاعات بسیاری از دانش‌آموزان در ثبت‌احوال و حضور اتباع بیگانه غیرمجاز، عدد دقیقی نیست و کمتر از واقعیت است. به تفکیک مقاطع، حدود ۴۰ هزار کودک ابتدایی (۳۳ درصد از کل)، بیش از ۳۲ هزار نفر در متوسطه اول (۲۷ درصد) و نزدیک ۴۰ هزار نفر در متوسطه دوم (۳۳ درصد) از چرخه آموزش در سیستان‌وبلوچستان بازمانده‌اند.
آنطور که مدتی‌پیش معاون حقوق عامه دادستانی سیستان‌وبلوچستان گفته است، «علت اصلی بازماندگی از تحصیل، به‌ویژه در پنج‌سال اخیر، بیش از هر چیز به مشکلات معیشتی خانواده‌ها بازمی‌گردد؛ درحالی‌که دانش‌آموزان علاقه فراوانی به ادامه تحصیل دارند.»

دادالله‌زهی می‌گوید آمار ترک تحصیل در استان بسیار بالاست؛ بااین‌حال ریزش‌ها در مدارس خاص به‌دلیل مسائل اقتصادی و فرهنگی کمتر است، اما در برخی مدارس عادی دولتی به‌خصوص هنرستان‌ها، سطح ریزش وحشتناک است: «در شهرهای مختلف استان، این آمار بسیار متفاوت است. در زاهدان و ایرانشهر که کمی از مرز دورتر و فرهنگی‌تر هستند این ریزش‌ها کمی پایین‌تر است، اما هر چه به‌سمت مرز می‌رویم، دشواری و سراوان ... آمار ترک تحصیل بسیار بیشتر است. یکی از دلایل دیگر، مرز است که می‌تواند فرصتی بسیار عالی برای مردم منطقه باشد، اما استفاده‌نکردن از آن باعث‌شده که فقط برای سوختبری مورد استفاده قرار گیرد. همین دانش‌آموزان به‌جای اینکه سوختبری کنند، می‌توانستند محصولات دامداری و کشاورزی را به پاکستان، افغانستان و عمان صادر کنند؛ روندی که می‌توانست به کاهش معضل سوختبری کمک کند. مدارس سمپاد، نمونه دولتی و دبیرستان‌های وابسته به دانشگاه‌ها نیز در این استان بین ۱۲ تا ۳۰ میلیون تومان شهریه دریافت می‌کنند؛ رویه‌ای که کاملاً برخلاف علت تاسیس آنها یعنی حمایت از دانش‌آموزان مستعد بی‌پضاعت است: «با حساب همه هزینه‌ها، هر خانواده سالیانه باید برای فرزند خود بیش از ۵۰ میلیون تومان هزینه کند، اما از عهده آنها برنمی‌آید. درنهایت این دانش‌آموز با وجود استعدادی که دارد، مجبور می‌شود درس را رها کند، ابتدا در کنار یک راننده به‌عنوان کمک‌راننده بنشیند و مسیرهای مختلف سوختبری را برای روزی ۵۰۰ هزار تا یک‌میلیون تومان یاد بگیرد. بعد از آن می‌تواند یک ماشین قسطی تهیه و به او اعتماد کند و به راننده تبدیل شود.» او توضیح می‌دهد که در برخی موارد هم سوختبری و تکدی‌گری به‌طور سازمان‌یافته دیده می‌شود: «در دوره‌ای دلایل آمار بالای تکدی‌گری و سوختبری را بررسی کردیم، درنهایت به جایی رسیدیم که دیدیم فردی، یک ساختمان را اجاره کرده و همه متکدیان برای او کار می‌کردند؛ کودکانی که اهل بنگال، هند، پاکستان و حتی ایران بودند. این رویه را همان چندسال پیش در زمینه سوختبری هم دیده بودیم.»

محله‌هرندی پیش‌بینی شده‌اند. این شیوه تأمین پارکینگ این پرسش را ایجاد می‌کند که آیا هدف، صرفاً رفع تکلیف اداری است یا پاسخگویی واقعی به نیازهای پروژه و بافت پیرامونی.» موضوع احتمال فروریزش و آسیب‌های سازه‌ای به بنای شمس‌العماره نیز ازجمله نگرانی‌هایی است که در ماه‌های اخیر بارها مطرح شده و وزیر میراث فرهنگی نیز به آن توجه‌نشان داده است. باتوجه به اینکه معمار، محاسب، ناظر سازه و پیمانکار پروژه، یک شرکت واحد هستند و این وضعیت براساس مشوق بند ۹ صورت‌جلسه شورای شهرداران مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ شکل گرفته، درحالی‌که این مصوبه در تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۹ توسط دیوان عدالت اداری ابطال شده است، چرا پرونده‌های صادرشده در این چار‌چوب مورد بازبینی قرار نگرفته‌اند؟ در صورت بروز هرگونه آسیب به مجموعه جهانی کاخ گلستان، براساس رأی دیوان عدالت اداری، مسئولیت حقوقی متوجه کدام مرجع خواهد بود؟ درنهایت این پرسش بنیادین مطرح می‌شود که نقش شهرداری در چنین پروژه‌هایی، تا چه حد باید به‌صود مجوز و دریافت عوارض محدود بماند و تاچه اندازه مسئولیت صیات ازبافت‌های تاریخی و فرهنگی شهر را برعهده دارد.

#### ▼ «با دار، با توبیتای خطدار»

به آمار همه سوختبرهای کشته در جاده‌ها، باید تعداد مسافران عادی را هم اضافه کرد که در برخورد با خودروی آنها سوخته‌اند. ۲۳ آبان‌ماه امسال، برخورد یک وانت سوختبر با یک خودروی پژو ۴۰۵ در جاده قلعه‌گنج به رمشک و برخورد یک دستگاه پراید با این وانت، باعث مرگ ۱۳ نفر شد؛ شاهدان ماجرا دیده بودند که «شعله‌های آتش به‌قدری شدید بود که هیچ‌یک از سرنشینان خودروها نتوانستند جان خود را نجات دهند».
مرتضی خیرزاده، فعال فرهنگی اهل کرمان است و بعد از این حادثه کارزاری برای پایان دادن به این چرخه ثبت کرده است. او می‌گوید به‌واسطه سوختبری، جان سوختبر و مردم عادی در خطر است و خانواده‌های زیادی نگران تردد در مسیرهای جنوب کرمان هستند: «ما سه دانش‌آموز داشتیم که به‌دلیل همین تصادفات، در خودرو سوختند. از ابتدای امسال تا امروز شاید در همین منطقه ۲۰۰ نفر در این تصادفات جان خود را ازدست‌داده‌اند. ما فقط مسیر قلعه گنج تا رمشک را می‌بینیم اما سردشت، بشاگرد، میناب، کهنوچ، جیرفت و همه جنوب شرق کشور درگیرند. در بلوچستان هم جوان‌های زیادی را به‌دلیل سوختبری از دست می‌دهیم. بسیاری از آنها علاقه زیادی دارند که پولی دست‌شان برسد و یک وانت سایپا بگیرند و این کار را شروع کنند. بسیاری از آنها هم از تحصیل بازمانده‌اند و اگر جلوی آن گرفته نشود، به آسیب بزرگتری تبدیل می‌شود. دانش‌آموزانی که ترک تحصیل می‌کنند ابتدا کارگر دیگران می‌شوند. کسانی هستند که ۱۰ تا ۱۲ خودرو دارند و جوانان و نوجوانان برای آنها سوختبری می‌کنند. خانواده‌ها هم نگرانند که فرزندشان وقتی به مرز می‌رود، می‌تواند برگردد؟ مثل این است که با یک بمب زندگی می‌کنند.»

او می‌گوید از سال ۱۳۹۲ بیشتر شاهد سوختبری در این منطقه است: «از این سال به‌بعد آمار مشغول شدن به این کار بسیار زیاد است. این موضوع هم فقط به شرایط اقتصادی برنمی‌گردد؛ بعضی از آنها می‌خواهند به‌سرعت پول زیادی به‌دست بیاورند، در غیر این‌صورت فرصت‌هایی برای کشاورزی نیز وجود دارد، اما چون این راه بازدهی بیشتری دارد، تصمیم می‌گیرند که به سوختبری مشغول شوند. آمار ترک تحصیل هم در این منطقه بسیار بالاست. شعارشان این است که (با دار، با توبوتا خطدار)؛ یعنی فکر می‌کنند درنهایت باید به این کار مشغول شوند.»

### انتقاد از عملکرد کمیسیون بهداشت

احمد آریایی‌نژاد، نماینده مردم ملایر در مجلس با انتقاد از عملکرد کمیسیون بهداشت و درمان، این کمیسیون را ضعیف‌ترین کمیسیون مجلس در یک‌سال گذشته دانست و اعلام کرد، در این مدت تنها یک طرح ارائه کرده است. به گزارش هم‌میهن، نماینده مردم ملایر در مجلس، وضعیت بیماران خاص را بسیار نگران‌کننده دانست و گفت: «بخش زیادی از داروهای بیماران خاص به‌صورت آزاد عرضه می‌شود و بسیاری از مردم توان خرید آن را ندارند؛ پس ادامه این روند پیامدهای خطرناکی به‌دنبال خواهد داشت. آریایی‌نژاد از وضعیت نظام سلامت کشور انتقاد کرد و گفت: «سال‌هاست که نظام سلامت از برنامه‌های پیشگیرانه فاصله گرفته و همچنان پزشک‌سالار باقی مانده است.» او همچنین با اشاره به وضعیت شیوع آنفلوآنزا، آن را «نزدیک به خطررمز» توصیف کرد و ادامه داد: «هرگونه تصمیم درباره تعطیلی‌ها باید هفتگی، براساس رصد علمی و بدون ایجاد اضطراب اجتماعی اتخاذ شود.»



## ۱۲۹ ساختمان نایمن در تهران

مهدی بابایی، رئیس کمیته ایمنی شورای شهر تهران با اعلام اینکه درحال حاضر از ۱۲۹ ساختمان نایمن پایتخت، ۵۴ ساختمان هنوز نسبت به ایمن‌سازی اقدام نکرده‌اند، گفت: «از این تعداد ۱۲ ساختمان نایمن و بحرانی، پاساژها و مراکز تجاری هستند که باید هر چه سریع‌تر نسبت به ایمن‌سازی اقدام کنند.» به گزارش ایسنا، او درباره اسامی این پاساژها گفت: «پاساژ میلاد، مهستان، گراند هتل، شناسا، زورخانه، وحدت، بلور، طلازاده، صفوی، امین و علمی از جمله مراکز تجاری نایمن پایتخت هستند که هنوز اقدامی برای ایمن‌سازی انجام نداده‌اند.» بابایی با بیان اینکه الزام پاساژها به ایمن‌سازی، راحت‌تر از واحدهای مسکونی و مراکز آموزشی است، گفت: «از قوه‌قضائیه تقاضا داریم که با جدیت بیشتری به‌موضوع ورود کند تا بتوانیم تا پایان این دوره، این موضوع را تعیین تکلیف کنیم.»

**خاموش کردن لامپ‌های اضافی ساده‌ترین راه صرفه جویی در مصرف برق است**

## آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

**با ارزیابی کیفی یکپارچه با شماره ش / ۱۴۰۴/۲۸**



وزارت نیرو

شرکت برق منطقه‌ای خراسان

**شرکت برق منطقه‌ای خراسان در نظر دارد توسعه پست زکریا را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی یکپارچه، از طریق پیمانکاران حائز شرایط اجرانماید.**

| شماره فراخوان در سامانه ستاد | موضوع مناقصه                                                     | مدت اجرا | مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار (ریال) | محل اعتبار  |
|------------------------------|------------------------------------------------------------------|----------|--------------------------------------------|-------------|
| ۲۰۰۴۰۰۱۱۳۳۰۰۰۵۴۲             | تأمین کالا و انجام عملیات تکمیلی بخش توسعه پست ۴۰۰ کیلوولت زکریا | ۴ ماه    | ۲۵'۸۹۲'۱۴۳'۲۸۱                             | منابع داخلی |

**شرایط لازم جهت شرکت در مناقصه :** دارا بودن گواهینامه صلاحیت معتبر پیمانکاری با حداقل پایه ۵ رشته نیرواز سازمان برنامه و بودجه و ظرفیت آزاد نحوه دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه : مناقصه گران حایز شرایط می‌توانند پس از ثبت نام در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت و بدون واریز وجه می‌توانند فایل اسناد مناقصه را بارگیری نمایند.

**تاریخ دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه :**

**از ساعت ۱۰ شنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ تا ساعت ۱۹ پنجشنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۷**

**تاریخ بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه و محل تحویل پاکت تضمین :**

از پیشنهاده دهندگان تقاضا می‌گردد: ابتدا تصویر کلیه مستندات و مدارک (ارزیابی کیفی، پاکت الف، ب و ج) را در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت **حداکثر تا ساعت ۷:۰۰ یکشنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۴ بارگذاری نمایند**، همچنین اصل پاکت الف با شرایط درج شده در اسناد مناقصه در پاکت لاک و مهرشده تا ساعت ۸:۰۰ همان روز پس از ثبت در دبیرخانه شرکت برق به آدرس: مشهد – انتهای بلوار وکیل آباد – نرسیده به جاده شاندیز – سمت راست شرکت برق منطقه‌ای خراسان – به امور تدارکات و قراردادها تحویل نمایند.

**تاریخ و محل گشایش پاکات کیفی:**

**ساعت ۰۸:۳۰ یکشنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۴ در محل امور تدارکات و قراردادهای شرکت برق منطقه‌ای خراسان.**

- ▶ در صورت نیاز به دریافت توضیحات فنی بیشتر، متقاضیان می‌توانند با مشاور (شرکت مشاورین) به شماره (مهندس سلالویی: ۰۹۱۵۱۱۳۷۹۰۴ ) یا با امور تدارکات و قرارداد های شرکت برق منطقه‌ای خراسان به شماره ۰۵۱-۳۶۱۰۳۶۱۰ فاکس ۰۵۱-۳۶۱۰۳۶۲۹ تماس حاصل نمایند.
- ▶ به پیشنهادها و مستندات فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهادهاتی که بعد از انقضاء مدت مقرر واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- ▶ پیشنهاد دهنده موظف به ارائه تضمین معتبر و قابل تمدید مطابق آیین نامه تضمین در معاملات دولتی می‌باشد و پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن مورد پذیرش واقع نخواهد شد.
- ▶ سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد درج شده است.
- ▶ ضمناً جهت کسب اطلاعات بیشتر به پایگاههای اطلاع رسانی به آدرس ذیل مراجعه نمایند.

|                                                     |                              |
|-----------------------------------------------------|------------------------------|
| پایگاه اطلاع رسانی معاملات توانیر                   | http://tender.tavanir.org.ir |
| پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات                      | http://iets.mporg.ir         |
| پایگاه اطلاع رسانی مناقصات شرکت برق منطقه‌ای خراسان | www.krec.ir                  |
| سامانه تدارکات الکترونیکی دولت «ستاد»               | www.setadiran.ir             |

**روابط عمومی شرکت برق منطقه‌ای خراسان**